



در ادامه در افشانی های قلم بنده، این شماره یک مصاحبه اختصاصی از جناب مایکل فلیس تهیه کرده ایم که شما می توانید حسابی حالش را ببرید. در ضمن برای اینکه از کیفیت بالای این طنز مطمئن باشید، یک نگاه ببند از دید به جنابیتی که هادی خمسه تحت عنوان طنز در صفحه ۱۰ ویژه نامه مرتکب شده. باور کنید که اگر قصد مقایسه این ۲ مطلب نبود، اصلاً آن مطلب را کار نمی کردیم! (ما شوخی کردیم خیلی هم مطالبش باحال)

## اختتامیه المپیک پکن از دریچه دوربین



شرح عکس: مایکل فلیس دارنده ۱۴ مدال طلای المپیک به کسب مدال برنز رقابت های المپیاد ایرانیان می اندیشد چرا که اعتقاد دارد سطح کیفی این مسابقات از خود المپیک هم بالاتر است! باور ندارید از آقای علی آبادی بپرسید.

## تمام مدال های من، فدای سر آقای علی آبادی!

**مایکل فلیس:**

این خیلی ناعادلانه است!  
پس چی عادلانه است؟ تو کل یوم تو ۲ تا المپیک قد کل کاروان ورزشی ما در تاریخ المپیک مدال بگیری؟  
- اون فرق می کنه.  
- ولش کن. نیپچون! تو از خودت هیچ اراده ای نداری. چطور اونجا جواب منو دادی؟  
- (می خندد) پسرچون مثل اینکه نمی دونی با کی داری مصاحبه می کنی؟! من قهرمان المپیک. ما قهرمانای المپیک با بقیه فرق داریم. همه چیزمون فرق می کنه. فهمیدی؟! من که بازیکن دوپینگ لیگ برتری کشور شما نیستم که هر تیکه ای بخواهی بدم کنی!  
- یعنی از این سؤال به بعد هم همین آتش و همین کاسه؟!  
- دقیقاً! هر جا دلم بخواد فعالیت می کنم. مثلاً اسرار کاریت برملا می کنم!  
- عجیب غلطی کردیم دست گذاشتیم روی تو! کاش همون سوژه علی دایی رو می نوشتیم. اصلاً می دونی چیه؟! من از اختیاراتم به عنوان طنزنویس استفاده می کنم و این مصاحبه رو از اول انجام می دم!  
- یعنی چی اونوقت؟! یعنی این ۶ صفحه ای که تا حالا نوشتی را می بری دور؟!  
- دیوونه ام مگه؟! هم تو بیلان کاری

**ببین دور از جون، زبونم لال، ناخواسته دوپینگ کرده باشن!**  
- (می خندد) من روزی ۲ دفعه آزمایش ضد دوپینگ میرم. بورت میشه؟ فکر کردی کیتمه ضد دوپینگ میذاره من تو ۲ تا المپیک ۱۴ تا مدال طلا ببارم و آزمایش ندم؟  
- حیف شد... یعنی خوب شد. الان کل خوانندگان غیور ما و جوانان ضد دوپینگ محل خوشحال هستند و سلام می رسانند! حالا تو واقعاً... پاکتی؟  
- (می خندد) من نیچی از عمرم را در آب سپری کرده ام. کاملاً پاکم!  
- منظورم همان قضیه آمپول... همان دیگر؟  
- ناچارم دوباره از اختیارات المپیک خودم استفاده کنم و حالت را بگیرم! می دانی مشکل مردم ایران چیست؟ خودشان مدال نمی گیرند بعد انتظار دارند که بقیه هم مدال بگیرند! یکی هم که مثل من نان زحمتش را می خورد را می خواهی این طوری خراب کنی! نکنید! آقایان! نکنید!  
- الان باید شرمند بشیم؟  
- تشدید هم مهم نیست!  
- بعداً حالتو می گیرم. از المپیک صحبت کن، خبری بود؟!  
- حقیقتش المپیک متفاوتی بود اما خیلی بکناخت بود!

■ چیزیست. یعنی اینی که تو می زنی تو رگ بعد فرت فرت مدال می گیری، تزیقیه، گردیه، قرصه، آمپوله، چیه؟!  
- بعد جواب این سؤال رو کی می خواهی بدونه؟  
■ گفتیم که. جوانان ورزشدوست و فرهنگ دوست و اخلاق دوست و گل و ناز و مامانی و گل پسر کشور ما که اصلاً چه می دونن دو پینگ چیه؟!  
- بعد این جوانان ناپرس مامانی گل پسر کشور شما که اصلاً هم اهل دوپینگ نیستن، چرا می خوان جواب این سؤال رو بدونن؟  
■ حسن کنجگاوای مایکل! البته آموزه های تربیتی - اخلاقی ما هم در این مورد بی تاثیر نبوده! حکایت عرفانی ادب از که آموختی گفت: از بی ادبانها را؟ شنیده ای؟  
- نه.  
■ مهم نیست. حالا ورژن آپ تو دیت شده قرن بیست و یکی اش می شود اینکه دوپینگ نکردن از که آموختی گفت از دوپینگ کردگان!  
- آهان!  
■ زود باش مایکل. جوانان ضد دوپینگ ما منتظرن تا تو جواب این سؤال رو بدی و سریع برون دارو فروشی! چیزی... یعنی سریع برون آزمایشگاه که

■ مخلص آقا مایکل! خوبی داداش؟  
- به! آقای برادر؟! می داشتی المپیک بعدی میومدی سراغم؟!  
■ دیگه شاخ نشو! این دفعه رو هم از سر ناچاری اومدم سراغت!  
- حالا چرا ناچاری؟! مرد حسابی خبرنگار نیوزویک و لایف و تایمز رو بادیگارد هام ۱۰ دقیقه قبل با «اردنگی» از هتل انداختن بیرون چون مخفیانه اومده بودن تو که از من مصاحبه بگیرن! الان کل یوم کل دنیا دنبال مصاحبه کردن با منه. بعد تو...  
■ همینکه هست. اولاً من خبرنگار دوزاری تایم یا لایف نیستم که! پاسه خودم عددی هستم. دوام من می خواستم طنز این هفته رو در مورد دعوی تلفنی دایی و فرودسی پور بنویسم تو آخرین لحظه بی خیال شدم. گفتیم بعد دایی با من چشم تو چشم میشه و ازم کله می کنه، بی خیالتی شدم! سوما اون نوجهات دم در اومدن حرف زیادی بزنی سه سوت حاشون رو گرفتیم. الانم تو بیمارستان روبروی هتل بستری شدن!  
- ووهو! تو چطور اون ۳ تا نره فیل روزی؟  
■ همون طوری که ویزی آمریکا رو گرفتیم شوکر! در عالم تخیل هیچ چیزی غیر ممکن نیست!  
- اوه بوی! من که حسابی کرپزی شدم سر این قضیه! راستی شنیدم اون بارو برزیلیه مری پرسپولیس به داور شما گفته «CRAZY» و بعد اخراج شده! درسته؟!  
- آره. چطور؟!  
- هیچی! از قاطعیت داورای ایرانی خیلی تعجب کردم. اینجا تو لیگ «NBA» داورو و بازیکنان گاهی «شور» می گردشون، حسابی از خجالت هم در میان! حتی شنیدم پول میدن به رفقا شون تو «FBI» آمار کل خاندان طرف رو هم می گیرن که وسط بازی به وقت نیاز رو کنن! اینجور مواقع کل ورزشگاه ساکت می شن که این آمار گرفتن ها رو دریایی کنن یعنی استراق سمع کنن!  
■ گاو چروتنین دیگه! مثل من و بقیه هموطنانم اهل شعر گفتن و فلسفه بافتن نیستن که!  
- برو بابا با اون شعر و فلسفه! تو المپیک چند تا مدال گرفتی؟  
■ صبر کن. صبر کن. اصلاً قرار نبود تو این جمله رو بگی!  
- منظور؟  
■ قرار بود من هر چی دلم می خواود به تو بد و بیراه بگم و بعد تو سر تو بندازی پایین و بگی ساری! قرار نبود تیکه و متلک بندازی!  
- یعنی چی قرار نبود؟! مگه قراره تو بگی من چی بگم؟  
■ خب آره دیگه نایغه! مصاحبه های من پینگ پونگیکه. خودم می گم، خودم جواب می دم!  
- این چه سودی داره؟  
■ خنده و تحسینش می مونه برای من، ضایع شدنش می مونه برای سوژه یعنی جنابعلی! البته یک جایزه طنز مطبوعات ورزشی هم هست که مفت و مسلم به من می رسه که اون البته موضوع جدانگانه ای است! حالا فهمیدی؟

## استقلال و پرسپولیس از نگاه دوربین

